

ساختار شکننده فوتبال

مشکلاتی که پیرامون فوتبال ما وجود دارد این سؤال را در ذهن بسیاری از علاقه‌مندان ایجاد می‌کند که این وضعیت تا به کی ادامه پیدا می‌کند.

امروز برای به قدرت رسیدن در فوتبال، نیازی به رزومه و کارنامه درخشان نیست. کافی است که قدرت لابی و رایزنی بالا داشته باشی. اندک توانایی در قدرت بیان و ایجاد رابطه دوستانه با اعضای مجمع و دست‌اندرکاران امر کافی خواهد بود تا تو را در راه رسیدن به صندلی مدیریت فوتبال در بخش‌های مختلف یاری نماید.

اداره فوتبال با توجه به گستردگی و تحت پوشش قرار دادن جمعیت کثیری از علاقه‌مندان، کار ساده‌ای نیست. در همه سطوح، از امور فوتبال یک بخش گرفته تا فدراسیون نیاز به توجه، کارایی و توانایی دارد. تجربه می‌گوید کسانی که با کمک ابر و باد و مه و خورشید و فلک و حمایت‌های این چهره سیاسی، آن نماینده و مسئول در فوتبال به جایی می‌رسند کاری از پیش نمی‌برند هرچند که بتوانند با کمک اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و پشتیبانی‌ها و معادلات پشت صحنه، سال‌ها بمانند و حکمرانی بکنند.

این روزها برخی از دوستان و بزرگواران در فضای مجازی به طرق مختلف از اوضاع فوتبال و وضعیت حاکم بر مجموعه‌های فعال در این رشته سخت گله‌مندند و از این‌که گفته‌ها و نوشته‌هایشان از طرف رسانه‌ها و علاقه‌مندان مورد حمایت قرار نمی‌گیرد اظهار تعجب کرده و گاهی با این قبیل موضع‌گیری‌ها، درماندگی‌ها، افسردگی‌ها و ناتوانی در فوتبال را حق منطقه قلمداد می‌نمایند.

جمعی از کسانی که منتقد وضعیت فوتبال‌اند کسانی هستند که صرفاً از روی عشق و علاقه به رویدادهای فوتبالی عکس‌العمل نشان می‌دهند. نه صاحب تشکیلاتی در فوتبال‌اند و نه در آن عرصه فعالیت دارند و نه قصد رسیدن به قدرت را دارند و نه اندیشه‌ای برای فعالیت هرچند محدود در آن. این‌ها سال‌هاست که گفته‌اند و نوشته‌اند ولی متأسفانه گوش شنوایی برای شنیدن این صداها وجود ندارد. همراهی برخی‌ها با عوامل سکون و عقب‌گرد فوتبال و دست بیعت دادن به آن‌ها و گستردن فضای دروغ و تهمت در فضای مجازی و ظهور در صفحات فیک و جعلی، کار را برای شنیده شدن صدای منتقدان مشکل می‌کند.

عده‌ای دیگر وابسته به منافع شخصی و گروهی هستند. تا زمانی‌که منافعشان تأمین بشود یا سکوت می‌کنند و یا از گل و بلبل بودن اوضاع سخن می‌گویند و وقتی منافعشان را در خطر می‌بینند به یک منتقد تمام‌عیار تبدیل می‌شوند و هر آنچه که در مسیرشان قرار می‌گیرد از دم تیغ می‌گذرانند.

برخی‌ها تا در باشگاه‌ها و مجموعه‌های مدیریتی فوتبال مسئولیت دارند همه امور را بر وفق مراد می‌بینند و برکناری از پست و مقام و جایگاه، دیدگاه آن‌ها را عوض می‌کند و به ناگاه همه‌چیز تبدیل به نکبت و کمبود و ضعف می‌شود.

این‌که می‌بینیم فوتبال ما نمی‌تواند روزهای خوبی را سپری بکند مقصر اصلش خود فوتبالی‌ها و علاقه‌مندان به این رشته می‌باشد. تا زمانی‌که تر و خشک را با هم بسوزانیم و براساس معیارها و واقعیت‌های موجود قضاوت نکنیم و خود و منافع خود و دوستانمان را ملاک تشخیص کارآمدی و ناکارآمدی مسئولان قرار بدهیم انتظار تغییر در حال‌وروز فوتبال، انتظار بیهوده‌ای خواهد بود.

چه بخواهیم و چه دوست نداشته باشیم فوتبال به ورزشی فراگیر تبدیل شده‌است. عده‌ای را اعتقاد بر این است که فوتبال بهترین عنصر برای پر کردن اوقات فراغت و سرگرمی و عاملی برای تخلیه ناهنجاری‌های اجتماعی است و عده‌ای نیز معتقدند که باید بر وجوه فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی آن تأکید فراوان گردد. برای دستیابی به همه اهداف تعریف‌شده فوتبال نیاز به برنامه‌ریزی، کار مداوم و به‌کارگیری نیروهای کاردان، فوتبالی، صادق و عاشق به خدمت دارد. بدون برنامه و با درپیش گرفتن مشی و مرام روزمرگی و علاقه‌مندی برای حفظ مدیریت و ریاست به هر بها و وسیله‌ای، نتیجه‌اش وضعیتی می‌شود که فعلاً فوتبال با آن دست به گریبان می‌باشد. تا زمانی‌که فوتبال در بند ساختاری شکننده و درهم‌تنیده از بی‌برنامگی‌ها، سهل‌انگاری‌ها و روزمرگی‌ها باشد امیدواری برای بهبود اوضاع آن کاری عبث و بیهوده خواهد بود.